



سبک‌شناسی لایه‌ای در «خطبه ۲۷» نهج البلاغه

حسن مقیاسی^{۱*}، سمیرا فراهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۱

چکیده

سبک‌شناسی علم مطالعه‌ی رفتارهای زبانی افراد است. سخنگویان زبان بنابر موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی، سن، جنسیت و... گونه‌های مختلفی از گفتار و یا نوشتار را به کار می‌برند. یک متن ادبی، سبک و ساختاری متفاوت از سبک یک متن عادی و یا علمی دارد. سبک‌شناسی لایه‌ای با رویکرد تحلیل ادبی، متن را در پنج لایه‌ی آوایی، بلاغی، نحوی، واژگانی و ایدئولوژیک بررسی می‌کند و پس از تبیین هر یک از این عناصر پنج‌گانه در یک اثر ادبی، بر آن است تا ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص اثر را که بستر مناسبی برای بیان اندیشه‌ها، افکار و احساسات درونی مؤلف و نیز زمینه‌ساز سبک شخصی وی است به نمایش گذارد. خطبه‌ی ۲۷ نهج البلاغه (خطبه جهاد) یکی از شیواترین و رساترین خطبه‌های امام علی(ع) است که حضرت در آن پس از بیان ارزش جهاد، علل شکست کوفیان در برابر سپاه دشمن را یادآور شده و از ضعف و سستی آنان در رویارویی با دشمن شکوه سر می‌دهد. نوع سخنان علی(ع) در نهج البلاغه و ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان در بیان خطبه‌ی جهاد به گونه‌ای است که به صورت کلام حضرت مؤلفه‌های خاصی بخشیده که در سایر متون ادبی کمتر به چشم می‌خورد. آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، بررسی خطبه‌ی یاد شده از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای و تبیین مؤلفه‌های سبکی علی(ع)، شناخت افکار، اندیشه‌ها و پس‌زمینه‌های فکری امام(ع) در ایراد خطبه جهاد است.

کلید واژه‌ها: نهج البلاغه، سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه آوایی، لایه بلاغی، لایه نحوی، لایه واژگانی، لایه ایدئولوژیک

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

۲. دانش آموخته کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک

*: نویسنده مسئول

مقدمه

علم سبک‌شناسی در حقیقت شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که در اندیشه‌های صاحب‌نظران و منتقدان غربی گسترش یافت و با گذشت زمان به صورت علمی مستقل، شاخه‌ها و چارچوب نظری مشخصی برای آن در نظر گرفته شد. هدف مطالعات سبک‌شناسی بررسی متون و آثار ادبی، کشف و تبیین شاخصه‌ها و ویژگی‌های حاکم بر آن‌ها است که از رهگذر تحلیل عناصر سبک‌ساز از جمله ساختارهای زبانی و لغوی اثر، اندیشه و عواطف گوینده و کارکرد صنایع ادبی و بلاغی به تعیین سبک فردی نویسنده می‌پردازد. سبک‌شناسان در بررسی سبک یک اثر مستقل، نقش‌های سه‌گانه‌ی مخاطب (نویسنده)، مخاطب (خواننده) و خطاب (اثر) را مورد توجه قرار می‌دهند و بر پایه‌ی عناصر و مؤلفه‌های تعریف شده در حوزه‌های یاد شده به تحلیل متون می‌پردازند؛ چرا که به اعتقاد سبک‌شناسان، متون و آثار ادبی آینه تمام‌نمای افکار، اندیشه‌ها، باورها و احساسات گوینده خود است که «به دستاوردهای فکری و ذهنی نویسنده به اندازه توانایی و قدرت عملکرد وی، جامه‌ای موضوعی و عقلی مطابق با واقعیت می‌پوشاند؛ ولیکن نویسنده در اغلب موارد، حقایق بیان شده در اثر خود را با حجم متنوعی از عناصر عاطفی در هم می‌آمیزد و تصویری از خود (من نویسنده) را با کامل‌ترین ویژگی‌های آن در اثر خویش نمایان و آشکار می‌سازد» (المسدی، ۲۰۰۶: ۳۶). افزون بر این پیوند متون - به‌ویژه متون ادبی - با زیبایی‌های ادبی و صنایع بیانی نقش مهمی در خلق فضای عاطفی و هنری اثر داشته و بیانگر طرز تفکر و نیز تصویرگر احساسات گوینده آن است. در حقیقت سبک، به شیوه‌ی رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌گردد. هر گفتار یا نوشتاری شبکه‌ای نظام‌مند از سلسله آواها و واژگانی است که هم‌نشینی آنها در ساختار کلام، صورت نهایی سخن را شکل می‌دهد. نوع انتخاب الفاظ و واژگان زبان به همراه سایر مشخصه‌های زبانی از جمله نحوه‌ی چینش الفاظ، بهره‌مندی از صنایع زیبایی‌شناختی و نیز موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی، سن، جنسیت و... گونه‌های مختلفی از گفتار و یا نوشتار را شکل می‌دهد. در حقیقت، واژگان و الفاظ زبان بستری مناسب برای بیان اندیشه‌ها و عواطف سخنگویان زبان است؛ از این رو واژگان به کار رفته در ساختمان یک اثر ادبی، دارای بار ارزشی خاصی بوده و ابزاری برای تعبیر مفاهیم و عقاید وانهاده شده در چهارچوب کلی اثر هستند که بررسی تنوع و نوع واژگان کلام، چیدمان و ترکیب آن‌ها در جمله، سبک‌شناس را در ارزیابی شاخصه‌ها و عناصر سبک‌ساز جهت دستیابی به سبک فردی گوینده یاری می‌رساند. بر این اساس، «مفردات و واژگان به کار رفته در ساختار یک اثر ادبی و تعیین عناصر سبکی، اهمیت ویژه‌ای در کشف معیارهای زبان و شاخصه‌های آن دارد و نقش مهمی در تشخیص عناصر ذهنی و عاطفی از یکدیگر در حوزه‌ی تعبیر ایفا می‌کند؛ بنابراین هنگامی که جهت تعبیر تصویری مجرد و ذهنی، واژه‌ای در قالب صیغه‌ی فعلی - در برابر صیغه‌ی اسمی - عرضه می‌شود [واژه] دارای دلالت عاطفی و احساسی است؛ از این رو بایستی در تعبیر فکر و اندیشه، میزان انفعالات عاطفی واژگان را از خلال تحلیل مجموعه‌ای از واژگان مترادف و وابسته به آن تا حد توان مقایسه کرد» (فضل، ۱۹۹۸م: ۲۹).

از شاخصه‌های مهم سبک، تکرار و تداوم هدفمند رفتارهای زبانی خاص در یک اثر و متن است. در سبک ادبی، فردیت و شخصی‌شدن سبک، از مسائل مهم و اساسی در شناخت سبک به‌شمار می‌آید. مقصود از فردیت، انعکاس ویژگی‌های شخصی گوینده مانند علایق، خلیقات، عواطف و عقاید شخصی وی است که در گفتار و یا نوشتارش نمود یافته و موجب تمایز سبک وی با نویسنده‌ی دیگر می‌شود. در نوع ادبی شعر، حضور صنعت‌های بلاغی و عناصر ادبی زمینه‌ی بروز مشخصه‌ها و حالت‌های روحی و فردی را فراهم می‌سازد. صورت‌های مجازی سخن از آن‌جا از رهگذر خیال پدید می‌آیند، بیش از زبان عادی قابلیت شخصی‌شدن را دارا هستند؛ چرا که برانگیخته از احساسات فردی و عواطف درونی و باطنی گوینده است و نگرش وی را نسبت به مسائل مختلف عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و... آشکار می‌سازد. «سبک‌شناسی جهت کشف نشانه‌هایی که به‌طور کلی حامل بار عاطفی کلام هستند صورت می‌گیرد. از آن‌جا که عملکرد نوآورانه زبان [در قالب زبان ادبی]، تا حد زیادی از ساختار ترکیبی آن در گفتارهای عادی و یا علمی متفاوت است؛ از این رو سبک‌شناسی به بررسی بُعد عاطفی پدیده‌های زبانی - که در اصطلاح خروج از قواعد زبان معیار که شیوه‌ی زبانی و عقلانی صرف نامیده می‌شود - اهتمام می‌ورزد و تا حد توان بر آن است تا بار احساسی و عاطفی‌ای را که موجب تنوع متون می‌شود کشف نماید» (عبدالمطلب، ۱۹۹۴م: ۲۰۵).

سبک در مکتب فرمالیسم، خروج از زبان معیار و مؤلفه‌های تعریف شده در آن است. در نگاه فرمالیست‌ها سبک زبان معیار به درجه‌ی صفر نوشتار و یا گفتار اطلاق می‌شود که در آن قواعد دستوری سخن رعایت شده و سبک متعلق به شخص خاصی نبوده؛ بلکه گونه‌ی کاربردی متداول در بین همگان است؛ اما سبک ادبی به گونه‌ای از سبک اطلاق می‌شود که در آن، از اصول و قواعد زبان معیار تخطی صورت گیرد. خاستگاه و پیشینه‌ی این نوع از سبک به صاحب‌نظران بلاغت یونان و روم باستان باز می‌گردد. آنان صنایع ادبی و بلاغی را زمینه‌ساز خروج از زبان معیار یا عادی دانسته که رفته‌رفته بنابر نگرش‌های فردی، در آثار شاعران و نویسندگان کارکرد یافته و به‌صورت هدفمند و خلاقانه در نوشتار و گفتار آنان نمود پیدا می‌کند. با وجود تفاوت‌های موجود در بررسی صور بیانی علم بلاغت در آثار ادبی، نمی‌توان از اهمیت علم بلاغت در تحلیل‌های سبک‌شناسانه غافل شد. بلاغت هم‌چون نظامی مستقل و متشکل از ابزارهای زیبایی‌شناسی و اقناعی جهت برانگیختن مخاطب است که مولف آن را به منظور دستیابی به تأثیرات معین و مشخصی بر مخاطب به کار می‌گیرد؛ بنابراین شایسته است که به این مقوله به دیده یک پدیده زبانی بنگریم که هدف آن تنها با فعلیت یافتن در متن محقق می‌شود. افزون بر این، باید به این نکته نیز توجه کرد که صور بیانی کارکرد سابق خود را - که بیشتر به هدف زیبایی بخشیدن و آراستن کلام بوده - در متون نداشته و دارای بار معنایی خاصی در رابطه با اندیشه‌های گویندگان خود می‌باشد و دارای تفاعل و پویایی در متن است (فضل، ۱۹۹۸م: ۱۷۹).

در متون و آثار ادبی، شاعران و ادیبان هر یک از زاویه‌ی نگاه خود، به رویدادها و مسائل می‌نگرند و به زبان خویش همه چیز را تعبیر می‌کنند. تشبیه‌ها، استعاره‌ها و دیگر صنایع ادبی در کلام آنان همگی ناشی از تخیلات فردی و دیدگاه‌های شخصی آنان است؛ از این‌روست که سبک ادبی تا حدود زیادی از رهگذر زبان شخصی هویت می‌یابد. «سبک‌شناسی از میان گونه‌های کاربرد زبان، بیش از همه به زبان در ادبیات توجه نشان می‌دهد و بخش عمده‌ی پژوهش‌ها در این شاخه‌ی مطالعاتی بر شناسایی سبک‌های ادبی، زبان شخصی و فردیت خلاق مؤلف متمرکز است. این تمرکز از آن‌روست که هنر (در بحث ما ادبیات)، مجال گسترده و شایسته‌ای برای تبلور فردیت فراهم می‌سازد؛ هنر در ماندگارترین صورتش قلمرو خلاقیت فردی و زمینه‌ی ظهور فردیت است» (فتوحی، ۱۳۸۸: ۲۴). نتایج حاصل از سبک‌شناسی ادبی - به دلیل بررسی سبک فردی و کشف اطلاعات مربوط به مؤلف، عقاید، احساسات، باورها و عواطف وی - می‌تواند در اختیار سایر پژوهشگران در حوزه‌های نقد ادبی، تاریخ ادبیات، جامعه‌شناسی و... قرار گیرد. سبک‌شناسی لایه‌ای با رویکرد تحلیل ادبی، متن را به پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک تقسیم می‌کند و به بررسی شاخصه‌های برجسته و ویژگی‌های مؤثر در پیدایی سبک فردی در هر یک از لایه‌های مذکور می‌پردازد. در این روش ارتباط و پیوند عناصر و مشخصه‌های ظاهری متن با محتوا و مضمون کلام به آسانی قابل تشخیص و بررسی است؛ چرا که وحدت و انسجام یک متن ادبی در سایه‌ی پیوستگی و در هم تنیدگی سطوح مختلف زبانی شکل می‌گیرد و ارزیابی جداگانه‌ی هر یک از این سطوح از رهگذر جداسازی عناصر سازنده‌ی کلام و تعیین نقش اثرگذار آنها در پیکره‌ی یک اثر مستقل به وجود می‌آید که در نهایت به تحلیل روش‌مند سبک یک متن ادبی منجر می‌شود. در حقیقت سبک‌شناسی لایه‌ای بر پایه‌ی سبک‌شناسی گفتمان استوار است که «عبارت است از کاربرد روش‌های تحلیل گفتمان در بررسی متن‌های ادبی. بنابراین فایده‌ی رویکرد تحلیل گفتمان این است که سبک‌شناس را قادر می‌سازد تا زبان را در قلمرویی فراتر از جمله بررسی کند» (همان: ۱۵۲). در تحلیل گفتمان انتقادی که به تبیین و توصیف رابطه محتوای متن با بیرون متن می‌پردازد، متن در پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، کاربردشناختی و ایدئولوژی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. سبک‌شناسی لایه‌ای متأثر از سبک‌شناسی گفتمانی به بررسی متون ادبی در لایه‌های پنج‌گانه‌ی یاد شده پرداخته و به جهت مقاصد سبک‌شناسی ادبی دو لایه‌ی بلاغی و ایدئولوژیک را جایگزین لایه‌ی معنی‌شناسی و کاربردشناسی می‌کند (همان: ۲۳۹).

نهج‌البلاغه مجموعه خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی(ع) است که دارای ساختاری مستحکم و اسلوبی شیوا در سخن‌پردازی است. بافت کلام حضرت در جای‌جای این کتاب شریف رنگ و بوی ادبی و بلاغی دراد و علی(ع) دیدگاه‌های شخصی و بن‌مایه‌ی کلام خویش را پیرامون مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و... در بهترین قالب عرضه می‌دارند. نوع واژگان، نحوه‌ی هم‌نشینی آنها در بافت کلام حضرت، استفاده از صنایع بلاغی و آرایه‌های زیبایی‌شناختی زمینه‌ی پیدایی سبک

شخصی امام علی(ع) را فراهم نموده به گونه‌ای که چنین سبک و اسلوبی را در آثار دیگر سخن‌پردازان عرب نمی‌توان یافت. هر یک از لایه‌های پنج‌گانه‌ی سبک‌شناسی لایه‌ای را می‌توان در متن نامه‌ها و خطبه‌های حضرت بررسی و ارزیابی نمود. «خطبه‌ها، صاقانه‌ترین تصویر از روح امام است که در آن معطرترین مکنونات قلبی خود از قبیل تقوای حقیقی متکی بر ایمانی محکم به خدا و شگفتی از مخلوقات و کمالات حق و بی‌میلی به ذات گذرا را در آن به ودیعت گذارده است» (خاقانی، ۱۳۷۶: ۵۵-۵۴).

نهج‌البلاغه به فراخور ساختار و محتوای ارزشمند خود، بارها از جنبه‌های مختلف نقد و بررسی شده است و افکار و اندیشه‌های حضرت(ع)، نگرش‌های سیاسی و اجتماعی ایشان نسبت به جامعه و سردمداران آن و یا بیان زیبایی‌های ادبی به کار رفته در متن خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه در آثار پژوهشگران قدیم و معاصر ارزیابی گردیده است؛ حال آن‌که در پژوهش‌های صورت گرفته، بررسی خطبه‌ها و نامه‌های حضرت از منظر سبک‌شناسی چندان گسترده نبوده و در این زمینه می‌توان به مقاله‌های «جایگاه ادبی نهج‌البلاغه: تحلیل زبان‌شناختی گزیده‌هایی از کلام امام علی(ع)» (بیوک بهنام، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲، زمستان ۱۳۸۱)، «بررسی سبک‌شناختی فرمان حکومتی امام علی(ع) به مالک اشتر» (محمد خاقانی اصفهانی، فصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، شماره سوم، ۱۳۹۰)، «تحلیل ساختار خطبه ۹۴ نهج‌البلاغه در سایه ساختارگرایی تکوینی» (سمیه حسنعلیان، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج‌البلاغه و ادبیات، قم، زمستان ۱۳۹۱)، «سبک مضامین نامه امام علی(ع) به مالک اشتر» (سیدابوالفضل سجادی، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج‌البلاغه و ادبیات، قم، زمستان ۱۳۹۱)، «سبک‌شناسی خطبه شقشقیه» (عباس عرب، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج‌البلاغه و ادبیات، قم، زمستان ۱۳۹۱)، «سبک‌شناسی حکمت‌های نهج‌البلاغه» (سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا، مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی نهج‌البلاغه و ادبیات، قم، زمستان ۱۳۹۱) اشاره نمود.

مقاله‌ی حاضر در شمار نخستین پژوهش‌های سبک‌شناسانه با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای در نهج‌البلاغه است. البته ذکر این نکته ضروری است که برای دستیابی به تفاوت‌ها و شباهت‌های سبکی امام علی(ع) در خطبه‌های نهج‌البلاغه بایستی خطبه‌ی مورد بحث در این پژوهش با دیگر خطبه‌های آن حضرت که در موقعیت‌های مختلف و خطاب به شخصیت‌های دیگر نگاشته شده است با روش لایه‌ای ارزیابی گردد و نیز برای آشکار شدن سبک فردی امام علی(ع) لازم است تا ویژگی‌های خطبه‌های ایشان با سایر خطبه‌پردازان هم‌عصرشان مقایسه شود که این امر از حوصله‌ی پژوهش حاضر خارج است.

امام علی(ع) در خطبه‌ی جهاد، بنا بر هدف اصلی خود از ایراد خطبه، به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خویش در باب مسأله‌ی جهاد می‌پردازند؛ به گونه‌ای که می‌توان از فحوای کلام ایشان عقاید، باورها، عواطف و احساسات‌شان را مشاهده نمود. در این پژوهش متن خطبه‌ی جهاد از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای ارزیابی می‌گردد تا پس از بررسی عناصر و مشخصه‌های سبکی هر لایه و جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده از آن‌ها،

پس زمینه‌های فکری، اندیشه‌های پنهان و نیز شیوه‌ی منحصر به فرد علی(ع) در ایراد خطبه‌ی یاد شده تبیین گردد.

لایه آوایی

سبک‌شناسی آوایی به تحلیل و ارزیابی واحدهای آوایی در یک بافت زبانی می‌پردازد و از رهگذر کارکرد هر یک از عناصر آوایی زبان در موقعیت‌های مختلف زبانی از جمله متون ادبی به تأثیرات زیبایی‌شناسانه‌ی آواها و ایجاد نظام‌های صوتی در ساخت آرایه‌های لفظی و بدیعی مانند سجع، جناس، واج‌آرایی و یا وزن و موسیقی سخن و عناصر سازنده‌ی آن یعنی وزن و قافیه اشاره دارد. «از جمله مسائلی که باعث ایجاد اختلاف در سبک‌های مختلف می‌شود، سطح آوایی یا موسیقایی آن است که بر زیبایی و تأثیرگذاری یک نوشتار می‌افزاید. هر چند بعضی معتقدند که نثر، فاقد موسیقی است، باید متذکر شویم آن‌چه در نثر نیست موسیقی بیرونی است که بر اثر وزن و قافیه به وجود می‌آید. موسیقی درونی که زائیده سجع و جناس، آهنگ الفاظ، انواع تکرارها و موسیقی مصوت‌ها و درآمیختگی با صامت‌هاست در نثر مشاهده می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

تغییرات آوایی در زبان ناشی از متغیرهایی چون متغیر جغرافیایی، جنسیت و فیزیولوژی یک است و در عرصه‌ی گفتار و مکالمه‌های روزمره بیش از نوشتار نمود می‌یابد؛ با این همه عناصر آوایی در بافت و ساختار برخی از متون ادبی از جمله خطبه‌ها حضور و کارکرد چشمگیری داشته است؛ چرا که بافت زبانی خطبه به‌عنوان یک فن ادبی، بر پایه‌ی عناصر آوایی‌ای چون سجع، جناس، واج‌آرایی و... بنا شده است که نشان از قدرت بیان و مهارت در سخنوری خطیب داشته و تأثیر بسزایی در برانگیختن و القای مخاطب به همراه دارد. «در عنصر آوایی امکانات تعبیری و بیانی شگفتی نهفته است. آواها و هم‌آهنگی ذاتی آن‌ها، بازی ایقاع و نغمه‌ها، تراکم و استمرار، تکرار و فاصله همگی، قدرت بیانی و تعبیری ویژه‌ای دارند که این قدرت مادامی که دلالت و بار عاطفی آواها در واژگانی کارکرد یابد که در تضاد و یا بی‌توجه به توانایی تعبیری آن‌ها هستند به‌صورت بالقوه و پنهان است؛ اما هنگامی الفاظ در تناسب با قدرت تعبیری آواها باشند، این توانایی بالقوه از خاستگاه خود خروج کرده و به فعلیت و ظهور می‌رسد» (فضل، ۱۹۹۸م: ۲۷). عملکرد سطح آوایی بیشتر بر برونه‌ی زبان استوار است و هر چند که گاه در محتوای فحوای اصلی کلام نیز دخالت دارد؛ اما بیشتر شامل آن دسته از عناصر آوایی زبان است که نهایتاً منجر به پیدایی نظم و توازن در ساختار کلام می‌گردد. عناصری چون وزن و قافیه (در شعر) و سایر صنعت‌های علم بدیع مانند سجع و جناس و... در این سطح از زبان نقش عمده‌ای دارند.

در نهج‌البلاغه هر حالتی از حالت‌های حضرت علی(ع)، آهنگی ویژه داشته و همساز و هماهنگ با اندیشه و عاطفه‌ی ایشان است. در بسیاری از حالت‌ها، ضربان شکوه‌مندی از زبان حماسی را در سخنان حضرت تجربه می‌کنیم. در چنین مواردی، کلمات پر صلابت و استوار برگزیده شده‌اند؛ اما گاه واژه‌ها

سبک و روان می‌شوند و چهره‌ای زیبا، نوازشگر و خیال‌انگیز به کلام امام(ع) می‌دهند (خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۴: ۶۳). در خطبه‌ی ۲۷ نهج‌البلاغه، امام علی(ع) با توجه مضمون اصلی خطبه که در حقیقت نکوهش سستی و ضعف مردم کوفه است، ساختار اصلی سخنان خود را بنا می‌نهند و به فراخور محتوا و بر حسب ضرورت، از عناصر آوایی کلام بهره می‌برند. صنعت سجع از پرکاربردترین صنایع آوایی در خطبه جهاد است. «بلاغت سجع در آن است که با وحدتی که خلق می‌کند، باعث تداعی معانی، وحدت اندیشه و تقویت انسجام فکری می‌گردد و از آنجا که انسان، تناسب و تشابه را به عنوان محور زیبایی فطرتا دوست دارد، خواه ناخواه جذابیت کلام مسجع توجه او را به خود جلب می‌کند و حتی زمینه‌ی پذیرش محتوای آن را نیز در خود احساس می‌کند» (قائمی، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

اگر چه به نظر می‌رسد نوع و میزان این صنعت در کلام حضرت در مقایسه با برخی از خطبه‌ها از بسامد کمتری برخوردار باشد و حضرت به جهت پرداختن به اهمیت موضوع مورد بحث و بیان دغدغه‌های درونی خویش و نیز صحبت از فضایل معنوی جهاد به صنعت‌پردازی توجه چندانی ننموده باشند؛ اما با این همه می‌توان هماهنگی لفظ و معنا، تلائم آوایی و بهره‌مندی از عناصر موسیقایی کلام را در بافت خطبه‌ی یاد شده مشاهده نمود. این امر بیانگر آن است که فصاحت و بلاغت ریشه در سرشت پاک امام علی(ع) داشته و سخن‌پردازی ایشان حتی در اوج خشم و ناراحتی آمیخته به ظرایف ادبی بوده و از روی تکلف و تصنع نمی‌باشد. «سجع در نهج‌البلاغه همانند سایر متون بلیغ و فصیح آن دوره با کلام حضرت(ع) در هم آمیخته و تابعی از معناست. فراوانی سجع در خطبه‌ها بیش از نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه است و شاید یکی از دلایل این امر ساختار و ماهیت فن خطابه باشد که در آن سخنران نیازمند استفاده از شاخصه‌ها و عناصر آوایی و صوتی – که عمدتاً در قالب الفاظ مسجع نمود می‌یابد- جهت همراهی و برانگیختن مخاطب است. از این‌رو سجع به سبب دارا بودن عناصر صوتی و خلق نظم و توازن در کلام قادر به ایجاد روابط زبانی و زیبایی‌شناسی میان طرفین کلام یعنی گوینده و شنونده است» (کاظم حمیدی الحمیداوی، ۲۰۱۱م: ۴۸-۴۹). در جدول زیر نشان‌دهنده‌ی تعداد و نوع سجع‌های به کار رفته در خطبه است:

ردیف	واژگان مسجع	سجع متوازی	سجع متوارن	سجع مطرف	تضمین المزدوج
۱	الْحَصِينَةُ - الْوَيْقَةُ		√		
۲	الْخَسْف - النَّصْف			√	
۳	تَوَاكَلْتُمْ - تَخَادَلْتُمْ				√
۴	الْغَارَات - الْأَوْطَانُ		√		
۵	الْإِسْتِرْجَاع - الْإِسْتِرْحَام				√

۶	مُلُوماً - جَدِيرًا	✓		
۷	الْقَلْبَ - اَلْهَمَّ	✓		
۸	فَقُبْحاً - تَرَحاً		✓	
۹	تَرَحاً - غَرَضاً	✓		
۱۰	تَغْرُونَ - تَرْضُونَ		✓	
۱۱	الْحَرَّ - الْقُرَّ	✓		
۱۲	الْأَطْفَالَ - الْجِجَالَ		✓	
۱۳	قَيْحاً - غَيْظاً	✓		
۱۴	العِصْيَانَ - الْخِذْلَانَ	✓		
۱۵	مِرَاساً - مَقَاماً	✓		
۱۶	العِشْرِينَ - السِّتِينَ		✓	
	مجموع واژگان: ۱۶	۷	۲	۴

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از مجموع ۱۶ واژه‌ی مسجع در خطبه‌ی جهاد، سجع متوازن از بسامد بالاتری نسبت به سایر انواع خود در بافت کلام حضرت دارد و پس از آن صنعت تضمین المزدوج - که از هم‌آیی دو سجع متوازی شکل می‌گیرد- کارکرد بیشتری در متن خطبه داشته و در کنار سایر سجع‌های به‌کار رفته در خطبه، سطح آوایی کلام را شکل داده و آهنگ و توازن سخنان حضرت را به‌وجود آورده است. علاوه‌بر این در بخش‌هایی از خطبه که امام علی(ع) از هجوم سپاهیان معاویه به شهر «انبار» سخن می‌گوید هر یک از حروف الفاظ و واژگان هم‌نشین شده در ساختار کلام حضرت بار معنایی هماهنگی با مقصود اصلی سخن داشته و در بیان حضرت القاگر خشونت، تندی و شدت جنگ است. هم‌آیی حروف در ساختمان جمله به ایجاد موسیقی درونی و خلق واج‌آرایی در سخنان علی(ع) کمک شایانی نموده است از جمله عبارت‌های:

الف) وَ قُلْتُ لَكُمْ اغْرَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُوكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا.

و گفتم با آنان بستیزید، پیش از آنکه بر شما حمله برند و بگریزند. به خدا سوگند با مردمی در آستانه‌ی خانه‌شان نکوشیدند؛ جز که جامه‌ی خواری بر آنان پوشیدند (شهیدی، ۱۳۷۴: ۲۷).

ب) فَقُبْحاً لَكُمْ وَ تَرَحاً حِينَ صِرْتُمْ غَرَضاً يُرْمَى يُغَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ وَ تَغْرُونَ وَ لَا تَغْرُونَ وَ يُعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضُونَ.

زشت بادید و از اندوه برون نیابید! که آماج تیر بلائید، بر شما غارت می‌برند و ننگی ندارید. با شما پیکار می‌کنند و به جنگی دست نمی‌کشایید. خدا را نافرمانی می‌کنند و خشنودی می‌نمایند (شهیدی، ۱۳۷۴: ۲۸).

در عبارت (الف) تکرار حروف (ق ۵ بار)، (غ و ز) هر کدام سه بار و هم‌نشینی آنها با سایر واژگان حاضر در جمله و حروف تشکیل‌دهنده آن‌ها، بیانگر نوعی تندی و تیزی در رفتار است. در عبارت (ب) نیز حروف (ق، ص، ح و غ) بیش از سایر حروف در کلام حضرت تکرار شده‌اند. این دسته از حروف حلقی که شدت و تفخیم دارند در کنار حروف (ر، و، ز، ن و ی) که در مقایسه با سایر حروف به کار رفته در جمله از بسامد بالاتری برخوردارند، معنای نکوهش و سرزنش را در کلام امام علی (ع) القا می‌کنند.

جناس و انواع مختلف آن نیز، از جمله الگوهای آوایی است که در ایجاد نظام‌های صوتی در یک متن نقش مؤثری دارد که سخنگوی زبان با بهره‌مندی از آن به خلق صورتهای زیبایی‌شناسی برجسته‌ای در ساختار کلام خود پرداخته و براساس کارکرد آواها و تأثیرات آنها در سبک که در حقیقت عمده ارزش زیبایی‌های موسیقایی سخن بدان وابسته است زمینه را برای پیدایی سبک‌های متفاوت و گوناگون فراهم می‌سازد. «نظام‌های آوایی در صناعات بدیعی (مانند سجع، وزن، قافیه، جناس) که غالباً گزینشی موسیقایی از لایه‌ی آوایی زبان هستند حاصل انگیزه و حساسیت‌های فردی شاعر در شکل دادن به سبک محسوب می‌شوند». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۸) در خطبه جهاد کارکرد صنعت جناس اگرچه به اندازه سجع در کلام حضرت (ع) گسترده و متنوع نیست؛ اما در پاره گفتار ایشان موجب پیدایی نظم و توازن در کلام امام (ع) گردیده است:

الف) الْحَرُّ وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَاةٌ أَلْقَرْنَا أَمْهَلْنَا يَسْلُخُ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارٌ مِّنَ الْحَرِّ وَالْقَرُّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرُّ تَفَرُّونَ فَاتُّمُّوا وَاللَّهُ مِنَ السَّيْفِ أَعَزُّ.

در این بند از کلام حضرت علی (ع) واژگان «فرار»، «تفرؤن» و «أقر» از نوع جناس اشتقاقی هستند که موسیقی و آهنگ کلام را به وجود آورده است.

ب) يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولُ رِبَاتِ الْجِجَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أُرْكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا وَأَعْقَبَتْ سَدْمًا.

واژگان «ندما» و «سدما» در پایان جملات یاد شده از نوع جناس مضارع بوده و موجب نظم عبارت‌های یاد شده و تلائم آوایی سخن گردیده است. «کارکرد زیبایی‌شناسی جناس در نهج البلاغه در ایجاد ساختار موسیقایی سخن مؤثر است و به ساختار ادبی کلام در سطوح مختلف آن وابسته و مرتبط است. این امر به ساختمان الفاظ و واژگان زبان باز می‌گردد که موجب تناسب میان اجزای کلام شده و در حقیقت این تناسب اصلی اساسی در به‌وجود آمدن توازن در کلام و زیبایی‌های نهفته در متن به شمار می‌رود» (کاظم‌الیهوادی، ۲۰۱۱م: ۶۰). به‌طور کلی می‌توان گفت کارکرد عنصر آوایی در کلام حضرت (ع) از جهتی ریشه در بیان ادیبانه و قدرت سخنوری ایشان دارد که به هنگام ایراد خطبه، جهت تأثیرگذاری

کلام و القای پیام مورد نظر خویش به مخاطب، هم‌سو با اندیشه‌ها و افکار وانهاده شده در خطبه هر جا که صورت کلام اقتضا کند از صنایع بدیعی بهره می‌برند. سجع و جناس و سایر عناصر آوایی کلام امام علی(ع) تصویرگر احساسات ایشان در برابر پیشامد واقع شده است که بار معنایی حروف به‌کار رفته در ساختمان کلمات در فرازهای مختلف خطبه، اغلب القاگر دیدگاه و نگرش حضرت(ع) و نیز بیانگر احساسات ایشان در قالب خشم و اندوه از سستی و نافرمانی مردم در مقابله با دشمن، عدم اهتمام به رهنمودهای ایشان و نیز نکوهش و سرزنش آنان به جهت بی‌تفاوتی و نادیده گرفتن حق امام(ع) در امر زمامداری جامعه اسلامی است.

لایه بلاغی

در سبک‌شناسی ادبی، لایه‌ی بلاغی زبان بیش از دیگر سطوح در مطالعات سبکی تأثیر دارد؛ چرا که عناصر ادبی و بلاغی، نقش مهمی در ادبیت آثار و نیز پیدایی سبک فردی ایفا می‌کند. «ریشه‌های سبک‌شناسی، به علم بلاغت یا فن سخنوری برمی‌گردد که نوعی کاربرد هنرمندانه‌ی زبان در موقعیتی خاص و برای القای مفهومی خاص است» (کریمی، ۱۳۸۹: ۸۱). در آفرینش‌های ادبی شگردهای بلاغی و صنایع ادبی (تمهیدات سبکی)، شاعر و نویسنده را در خلق صحنه‌های بدیع و نامتعارف یاری می‌رساند و براساس بسامد بالای هر یک از این صنایع، سبک‌های مختلف ادبی مانند سبک تشبیهی، استعاری، نمادگرا و... شکل می‌گیرد. این بخش از سطوح زبانی، برخلاف سطح آوایی، شامل آن دسته از صورت‌های زبانی است که در معنا تأثیرگذارند و به اصطلاح عملکرد آنها بر درونه‌ی زبان استوار است. تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز از جمله‌ی این صناعات هستند که شاعر به کمک آن‌ها صورت کلام خود را برجسته ساخته و از قواعد زبان معیار فاصله می‌گیرد. این دسته از صناعات ادبی از آن جا که حاصل تجربه‌ی هنری مؤلف است و به نوعی با عواطف و احساسات درونی و باطنی وی پیوند داشته و بیانگر نگرش خاص وی به اشیاء و جهان پیرامون است، زمینه‌ساز سبک شخصی و فردی می‌گردد. ارزیابی و بررسی روشمند هر یک از این صناعات معنایی در کلام شاعر موجب تحلیل و تفسیر سبک گوینده و محتوای اثر وی می‌شود. صنایع ادبی و آرایه‌های بلاغی از منظر سبک‌شناسی تنها ابزارهای زبانی جهت به تصویر کشیدن عناصر تضاد یا تناسب به منظور خلق یک صحنه‌ی خیالی و بدیع در یک متن ادبی نیستند؛ بلکه دارای نقشی فعال و دلالت‌های معنادار در ساختار متن و چهارچوب زبانی آن، متناسب با هدف گوینده بوده و زمینه‌ساز خلق تأثیرات سبکی مختلفی در متون می‌گردد. بر این اساس شایسته است که یک استعاره‌ی واحد در یک متن غنایی و یک متن علمی کارکرد معین و مشخصی متناسب با مضمون و محتوای متن خود ایفا کند (فضل، ۱۹۹۸م: ۱۷۹-۱۸۰).

بررسی سبک‌شناسانه‌ی صنایع ادبی‌ای چون تشبیه و استعاره در کلام شاعران و نویسندگان از جهت وجه شبه، طرفین تشبیه یا استعاره، ساختمان و کارکرد هر یک از آنها در یک متن مستقل، تفاوت‌های

معناداری را در سبک هر یک از شاعران و نویسندگان آشکار می‌سازد. به عنوان مثال تشبیهات حسی به حسی بیانگر نگرشی عینی و ملموس و تجربیات ساده‌ی خیال شاعران نسبت به پدیده‌های مختلف در ساختار اندیشه‌ی آنان است؛ حال آنکه دامنه‌ی تشبیهات خیالی و یا عقلی از پوسته‌ی ظاهری و محسوس اشیاء فراتر رفته و زمینه را برای تصرف در خیال شاعرانه و خلق تصاویر تخیلی و هنری فراهم می‌سازد؛ از این رو این نوع از تشبیهات در یک متن ادبی درونی‌تر و شخصی‌تر است. در حقیقت نگرش و ذهنیات فردی در انتخاب طرفین تشبیه یا استعاره و نحوه‌ی هم‌نشینی ارکان آن با یکدیگر سبب تنوع در سبک‌های تشبیهی یا استعاری می‌گردد. در سایر سبک‌هایی که بر پایه‌ی صنایع ادبی استوار است از جمله سبک تمثیلی، نمادگرا، استعاری و... چنین ساختار و عملکردی حاکم است و عناصر بلاغی مسلط بر هر سبک غلبه‌ی تمثیل، نماد و یا استعاره بر طرز سخن شاعر یا نویسنده می‌باشد. در ادبیات عرفانی کثرت کارکرد گونه‌های مختلف تمثیل - تمثیل‌های اخلاقی و رمزی و... - در قالب تمثیل‌های ساده، تشبیه‌های تمثیلی و یا اضافه‌ی تشبیهی نوع سبک یک گوینده را از سایر نوشته‌های دیگر نویسندگان در این حوزه متمایز می‌سازد. در سایر صنایع ادبی نیز تفاوت در سبک دو نویسنده یا شاعر ناشی از تفاوت در فراوانی صنایع ادبی در آثار و نوشته‌های آنان است. «صناعات معنایی نقش مهمی در اعطای کیفیت ادبی به زبان دارند. کیفیت ادبی یا شخصی‌سازی زبان بیش از هر جا در صناعات بلاغی به‌ویژه صورت‌های مجازی زبان (صناعات معنایی) نمودار می‌شود. غلبه‌ی هر یک از این آرایه‌ها در متن، سبک‌های برجسته‌ای را شکل می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۰۶).

در خطبه‌ی جهاد، کارکرد و بسامد هر یک از صنایع ادبی علم بیان متفاوت از یکدیگر است. حضرت با توجه به غرض اصلی خود از خطبه که پیرامون فضیلت و ارزش جهاد در راه خدا و رویارویی با دشمنان اسلام است، ساختار بلاغی خطبه را بنا می‌نهند. در خطبه یاد شده، صنعت ادبی تشبیه در مقایسه با سایر صنایع به کار رفته در بافت سخنان حضرت از بسامد بالاتری برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت سبک ادبی خطبه جهاد، سبک تشبیهی است. «تشبیه، نشان‌دهنده‌ی وسعت و زاویه دید شاعر [و یا نویسنده] است. نشان می‌دهد که گوینده چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر [و یا نویسنده] دریافت نمی‌شود. به دیگر سخن هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه تشبیه است». (رضایی‌جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۷) در جدول زیر تعداد، نوع و بسامد هر یک از صناعات بلاغی علم بیان در خطبه‌ی جهاد مشخص شده است:

صنعت ادبی	نمونه‌ها	طرفین	حسی - عقلی	نوع آرایه
تشبیه	۱- فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ	جهاد-در (بهشت)	عقلی - حسی	تشبیه بلوغ
	۲- وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى	جهاد-لباس	عقلی - حسی	تشبیه بلوغ
	۳- وَ دَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ	جهاد- زره	عقلی - حسی	تشبیه بلوغ
	۴- وَ جُنَّتُهُ الْوَيْقِقَةُ	جهاد- سپر	عقلی - حسی	تشبیه بلوغ
	۵- أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الدُّلِّ	خواری-لباس	عقلی - حسی	تشبیه بلوغ
	۶- حِينَ صِرْتُمْ غَرَضًا يَرْمَى	مردم-هدف	حسی - حسی	تشبیه بلوغ
	۷- (رجال) حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ	عقل مردان - عقل کودکان و زنان	عقلی - عقلی	تشبیه بلوغ
استعاره	۱- ضَرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ	احاطه و شمول - بر باشندن(خیمه)	---	استعاره تصریحیه تبعیه
	۲- أَمْهَلْنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ	زایل شدن - سلاخی شدن	---	استعاره تصریحیه تبعیه
	۳- أَمْهَلْنَا يُسَبِّحُ عَنَّا الْحَرُّ	زایل شدن - به خواب رفتن	---	استعاره تصریحیه تبعیه
	۴- أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعَصْبَانِ وَ الْخِذْلَانِ	باطل شدن - فاسد شدن	---	استعاره تصریحیه تبعیه
	۵- جَرَعْتُمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا	غم و اندوه-آب	---	استعاره مکنیه
	۶- كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ	گرما و سرما - حيوان درنده	---	استعاره مکنیه
مجاز	۱- فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَقْرُ	مجاز: السيف که مقصود از آن جنگ است.		مجاز مرسل علاقه آليه
	۲- وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيَجْلِبُ الْهَمَّ مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ	اسناد اماتة قلوب و جلب هموم به اجتماع آن مردم بر باطل از باب اسناد به سبب فعل به جای فاعل حقیقی است (خاقانی، ۱۳۷۶: ۱۹۳)		مجاز عقلی علاقه سببیه
	۳- وَأَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ	در نظر گرفتن معنای حقیقی فعل ادیل (روی - گردانی) برای حق که در اینجا مقصود از آن خداوند است از نوع مجازی به شمار می‌آید.		مجاز عقلی علاقه سببیه

کنایه از صفت	---	۱- لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا	کنایه
کنایه از صفت	---	۲- وَشَحَّتُمْ صَدْرِي غَيْظًا	
کنایه از موصوف	---	۳- ربات الحجال	
کنایه از صفت	---	۴- أَنْ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا	
کنایه از صفت	در زبان عربی، برای بیان تعجب، دو شیوه قیاسی و سماعی وجود دارد و در سبک سماعی، برخی از ترکیب‌ها که در معنای لفظی مفهوم تعجب ندارند به اعتبار قرینه دارای مفهوم تعجب هستند از جمله تعبیر «لله ابوه» (اقبالی، ۱۳۸۸: ۱۹۷-۱۹۸)	۵- لِلَّهِ أَبُوهُمْ	
کنایه از صفت	---	۶- وَلَكِنْ لَأَرَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ	

امام علی(ع) با توجه به محوریت بحث که «جهاد در راه خدا و بیان فضیلت‌های آن» است بیشتر از تشبیه‌های معقول به محسوس بهره می‌برد تا درک ماهیت و ارزش حقیقی جهاد را برای مردم تبیین نمایند. این امر گویای این حقیقت است که نگاه نافذ و اندیشه‌ی عمیق‌گرای علی(ع) از سطح ظاهری و پوسته‌ی محسوس اشیاء فراتر رفته و به حقیقت و باطن معارف و احکام الهی نظر دارد. امام علی(ع) در قالب آرایه‌های ادبی، تصویری گویا و همه‌جانبه از مفاهیم عقلی و انتزاعی به تصویر می‌کشد تا درک مفاهیم مجرد موردنظر ایشان بر مخاطب هموار گردد. تشبیه‌ها و استعاره‌های به کار رفته در خطبه، عمدتاً از متن زندگی و صورت‌های ملموس آن برگزیده شده و هم‌سو با اندیشه‌های امام، گاه بیانگر فضیلت‌های اخلاقی و نقش اثرگذار آن‌ها - مانند جهاد، تقوا و...- در زندگی فردی و اجتماعی افراد است و گاه در نقد عملکرد مردم کوفه و یا ترسیم احساسات و عواطف درونی حضرت(ع) می‌باشد که در قالب صنایع ادبی موجب برجسته شدن کلام، تأثیرگذاری و اقناع مخاطب گردیده است. «شاید بتوان گفت که در میان فنون بلاغت، هیچ یک در مجسم نمودن معانی و تصویرگرایی مفاهیم، به پایه‌ی تشبیه نمی‌رسد؛ تا آنجا که درباره آن گفته‌اند: تشبیه معنا را آن گونه آشکار می‌سازد که گویی می‌توان آن را با چشم خود دید و با انگشتان خود آن را لمس نمود» (محمدقاسمی، ۱۳۸۷: ۴۵). نوع تشبیه‌های به کار رفته در بافت کلام امام علی(ع) (معقول به محسوس) بیانگر آن است که نگرش امام(ع) به مسأله‌ی جهاد و مفاهیم پیرامون آن

متفاوت از نگرش افراد عادی و ناشی از عدم سطحی‌نگری حضرت به مسائل مختلف و آموزه‌های معرفتی است. کارکرد صنایع ادبی از جمله تشبیه - که در این خطبه از بسامد بالاتری نسبت به سایر صنایع برخوردار است - بر درونه‌ی زبان و فحوای کلام تأثیر گذاشته و نقش مهمی در نظام معنایی زبان ایفا نموده؛ به گونه‌ای که معنای عادی و طبیعی جمله را تحت تأثیر خود قرار داده و نمود ذهنیات، عواطف و تخیلات شخصی گوینده است. هم‌چنین شخصیت‌بخشی به اشیاء بی‌جان در قالب استعاره مکنیه، نشانگر غلبه‌ی عنصر خیال و نیز گسترش عواطف انسانی در متن است که موجب انتزاعی شدن سبک و در هم تنیدگی لایه‌های مختلف کلامی در قالب عناصر بلاغی می‌شود و این امر، سبک یک متن ادبی را به سوی تنوع‌بخشی به صورت‌های بی‌تحرک و ایستای کلام، پویایی و نیز خیال‌انگیزی سوق داده و زمینه‌ی برجسته شدن سخن و خلق تصویرپردازی‌های ادبی را جهت برانگیختن توجه مخاطب و اقناع وی فراهم می‌سازد. افزون بر این، استعاره‌های فعلی به کار رفته در بافت کلام حضرت(ع) با هدف آفرینش‌گری و زیبایی‌شناسی، بیانگر نازکی خیال و تازگی ادراک است که در قالب افعال حرکتی زمینه‌ساز خیزش زبان و پویایی قوه‌ی خیال شده است. امام علی(ع) برای بیان مفاهیم شمول و گستردگی و یا احاطه کردن و در برداشتن افعالی را به کار می‌برد که نقش به‌سزایی در برجستگی و نامتعارف شدن صورت ظاهری کلام ایشان داشته و علاوه بر تصویرسازی، موجب خلق موقعیت‌های تازه زبانی و مضمون تراشی و نازک‌گویی ادبی در راستای غافلگیری مخاطب و برانگیختن شگفتی در وی شده است. چنین عملکردی در حوزه‌ی استعاره‌ی میان افعال، «موجب پویاسازی اندیشه و حرکت‌بخشی به سبک می‌شود. بخش زیادی از طراوت، پویایی و دینامیسم سبکی برخاسته از کاربرد استعاره‌های فعلی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۱۷). کنایه‌های به کار رفته در کلام حضرت(ع) نیز به قصد تعریض و نکوهش عملکرد مردم کوفه است که موجب گردیده تا لحن بیان امام علی(ع) آن هنگام که مردم را مخاطب خویش قرار می‌دهد و به تحلیل شرایط می‌پردازد آمیخته به تهکم و استهزاء باشد. کنایه‌های یاد شده هم‌سو با اندیشه‌های وانهاده شده در خطبه و هماهنگ با ساختار ادبی و بلاغی کلام است که تصویری از سستی و ذلت‌پذیری مردمی را ترسیم می‌کند که در برابر باطل سکوت کرده و حق را یاری نکردند. ساختار عبارت‌های کنایی در کلام حضرت(ع) علاوه بر برجسته شدن متن خطبه، در راستای القای معانی مقصود بوده و در حقیقت بیانگر نگرشی منتقدانه به وضعیت موجود است.

لایه نحوی

صورت‌های زبانی خارج از چارچوب و قواعد دستوری زبان، در حکم واحدهای زبانی منفردی هستند که بدون ترکیب و هم‌نشینی در ساختی بزرگتر به نام جمله، قابلیت انتقال مفاهیم را ندارند؛ از این‌رو ساختار نحوی جملات در پیدایی سبک فردی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. درصد واژگان به کار رفته در یک متن، بلندی و کوتاهی عبارات، پیوند جمله‌ها و نحوه‌ی ارتباطشان با یکدیگر و... گونه‌های مختلفی از سبک را

بوجود می‌آورد. کارکرد هر یک از مؤلفه‌های یاد شده به همراه بسامد بالای آنها در یک اثر ادبی، سبک یا به اصطلاح «نحو نشاندار» یک نویسنده و یا گوینده را شکل می‌دهد. نحو نشاندار در مقابل نحو معیار قرار می‌گیرد و مقصود از آن ساخت‌های دستوری و نگارشی خاص هر سخنگوی زبان است. هر اندازه که ساختمان کلام در یک متن از قواعد زبان معیار فاصله بگیرد و گوینده ساخت‌های نحوی خاصی را در ساختمان جملات و عبارات خود به کار برد، سبک اثر وی به نشاننداری و فردیت نزدیک می‌شود؛ از این رو شناخت نحو پایه و عناصر سازنده‌ی کلام در زبان معیار ضروری است؛ چرا که خروج از مؤلفه‌های تعریف شده در زبان معیار زمینه‌ی پیدایی سبک‌های فردی را فراهم می‌سازد.

در زبان عربی هر یک از اجزاء و عناصر سازنده‌ی کلام، جایگاه مشخص و تعریف شده‌ی خود را دارا هستند. چیدمان طبیعی جمله در زبان عربی به دو گونه‌ی اسمیه (مبتدا + خبر) و فعلیه (فعل + فاعل) تعریف شده است. هر یک از اجزاء سخن بنا به موقعیت‌های مختلف و نیز اغراض مجازی سخن از جمله تأکید بر اهمیت امری، صدارت‌طلبی برخی از ارکان جمله و... می‌تواند از جایگاه اصلی خود در جمله خروج کرده و جانشین سایر ارکان کلام گردد. میزان برجستگی و مقبولیت یک متن ادبی تا حدود زیادی بستگی به ساختمان کلام و روابط اجزاء جمله با یکدیگر دارد. در نهج‌البلاغه نوع ساخت‌های نحوی در کلام حضرت علی(ع) بر پایه‌ی نحو معیار زبان عربی شکل گرفته است؛ حال آنکه عناصر تشکیل‌دهنده‌ی سخنان ایشان به همراه مؤلفه‌های سبکی خاص حضرت از جمله نحوه‌ی چیدمان کلمات، کوتاهی و یا بلندی عبارات، پیوند جملات با یکدیگر و... به گونه‌ای است که زمینه‌ساز سبک شخصی امام(ع) در نگارش نامه‌ها و خطبه‌ها از جمله خطبه‌ی جهاد شده است. خطبه‌ی یاد شده، از نظر سبک و ساختمان جمله، دارای جملات کوتاه و منقطع است که این نوع از جمله‌ها در مقایسه با جملات بلند و طولانی از بسامد بالاتری در متن خطبه برخوردار است. از نظر دستوری و نحوی جمله‌های حضرت اغلب هم‌پایه بوده و در انشائی یا خبری بودن با یکدیگر اتحاد و هم‌خوانی دارند؛ از این رو جملات معمولاً به یکدیگر عطف شده و زنجیره‌ای از جملات منقطع و هم‌پایه را به وجود آورده‌اند که این امر موجب پویایی و شتاب بخشیدن به سبک، هیجان‌انگیزی و سرعت بالای اندیشه در خطبه شده است.

از دیگر عناصری که در لایه‌ی نحوی سبک بررسی می‌گردد؛ ساختمان افعال در متون ادبی است که در اصطلاح بدان صدای دستوری گفته می‌شود. «صدای دستوری عبارت است از رابطه‌ی میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرآیند فعلی (فاعل، مفعول و...)». صدای دستوری در کنار دیگر وجوه فعل مانند زمان، نمود و جهت و حالت شناخته می‌شوند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵).

در زبان‌های مختلف صداهای دستوری با یکدیگر تمایز داشته؛ اما مرسوم‌ترین آنها عبارتند از: صدای فعال، صدای منفعل و صدای انعکاسی.

در جدول زیر نوع، تعداد و مشخصه‌های افعال به کار رفته در متن خطبه‌ی جهاد که نقش مؤثری در تعیین صدای دستوری خطبه دارند، مشخص شده است:

مجموع افعال	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	معلوم	مجهول	ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید
۶۸	۵۱	۱۷	۳	۵۳	۱۵	۴۶	۲۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از مجموع ۶۸ فعلی که حضرت در سخنان خود به کار می‌برد فعل ماضی بسامد بالاتری نسبت به سایر افعال دارد. این امر از آن جهت است که حضرت در خطبه‌ی جهاد بازگوکننده‌ی رخدادی است که گذشته و سپری گشته و طبیعتاً در توصیف آن از فعل‌های ماضی بیش از مضارع و یا امر استفاده کرده‌اند. عنصر زمان، بیانگر میزان فاصله گوینده با موضوع مورد بحث است؛ از این‌رو میزان فاصله زمانی در تغییر ذهنیت و زاویه دید مؤلف مؤثر است. بسامد بالای فعل‌های ماضی نشانگر فاصله‌ی گوینده با دیدگاه وی می‌باشد. از جهتی دیگر تعداد فعل‌های معلوم در خطبه بیش از فعل‌های مجهول است. بسامد بالای جمله‌های معلوم صدای فعال در متن را رقم می‌زند که موجب تأثیرگذاری بیشتر کلام بر مخاطب است. صدای فعال نشانگر آن است که اعمال و رفتارهای موجود در متن از فاعل (کنش‌گر) که پویاترین و فعال‌ترین رکن جمله را تشکیل می‌دهد سر زده است. از دیگر شاخصه‌های مورد بحث در لایه‌ی نحوی، بررسی وجهیت یا مدالیته در متن یک اثر است. سبک هر نویسنده و یا گوینده‌ای معمولاً از یک الگوی دستوری خاص و مشخصی پیروی می‌کند که بیان‌کننده‌ی نوع دیدگاه‌ها و نظریات فردی گوینده‌ی آن است که بر فضای کلی متن سایه می‌افکند. متغیرهای نحوی به کار رفته در ساختمان یک اثر ادبی تابعی از نگرش نویسنده اثر در خصوص موضوع مورد بحث است. گوینده میزان قطعیت، تردید، انکار و... خود را درباره‌ی مسأله‌ای خاص به کمک وجهیت یا مدالیته ابراز می‌دارد. نوع فعل‌های به کار رفته در یک متن تعیین‌کننده‌ی وجهیت در کلام است. وجه فعل «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر إخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

جدول زیر نشان‌دهنده‌ی مدالیته‌های به کار رفته در خطبه‌ی جهاد است و بیانگر دیدگاه‌ها و نگرش حضرت نسبت به مسأله‌ی مورد بحث در خطبه می‌باشد.

مجموع جملات	مدالیته اخباری	مدالیته التزامی	مدالیته معرفتی	مدالیته عاطفی	جمله فعلیه	جمله اسمیه
۸۰	۳۶	۶	۷	۷	۵۶	۲۴

از مجموع ۵۶ جمله‌ی فعلیه، ۳۶ جمله به شیوه‌ی اخباری بیان شده است که این امر خود، ارتباط نزدیک حضرت (ع) را با وقایع و رخدادهای زمان ایشان به تصویر می‌کشد. وجه اخباری از وقوع یک

رویداد و مطابقت و یا عدم مطابقت آن با واقعیت خبر می‌دهد. بسامد بالای مدالیت‌ها اخباری در خطبه جهاد ناشی از آن است که حضرت (ع) گزارشی از رخداد آن زمان - حمله سپاهیان معاویه به شهر انبار - ارائه می‌دهد و در حال بازگو کردن شرایط و اتفاق‌های آن است؛ از این‌رو می‌طلبد که در درجه‌ی نخست حضرت با اتفاق پیش آمده ارتباط نزدیکی برقرار نماید و سپس در قالب جملات و عبارات متناسب با محتوا، دیدگاه‌های خود را بازگو نمایند. پس از وجه اخباری، وجه معرفتی و عاطفی کارکرد بیشتری در متن خطبه داشته است که بیانگر احساسات و عواطف شخصی و نیز نگرش منتقدانه حضرت (ع) در برخورد با وقایع موجود، موضع و عملکرد مردم در برابر رخداد پیش آمده است. همچنین علی (ع) به فراخور موضوع اصلی خطبه نگرش خود را نسبت به مسأله‌ی جهاد، عملکرد مردم کوفه در برخورد با عاملان سپاه معاویه و نکوهش ضعف و سستی مردم در قالب جملات التزامی - امر، نهی، شرطی - بیان می‌دارند.

افزون بر مدالیت‌هایی که در وجه فعلی خطبه نمود یافته، قیدهای تأکیدی به کار رفته در بافت کلام حضرت (ع) نیز دربردارنده‌ی دیدگاه و نگرش امام علی (ع) پیرامون مفاهیم و اندیشه‌های وانهاده شده در خطبه‌ی مذکور است. قیدها عمدتاً بیان‌کننده‌ی شدت و ضعف باورها و اعتقادات افراد نسبت به موضوع مورد بحث آنان است. با توجه به قیدهای به کار رفته در یک متن می‌توان به شاخصه‌های نهفته در سبک یک اثر از جمله واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی و یا غلبه‌ی احساسات فردی را در سبک تعیین کرد. در خطبه‌ی جهاد حضرت علی (ع) بارها و بارها برای بیان اندیشه‌ها و عواطف شخصی و یا بیان دیدگاه‌های خویش پیرامون رخداد واقع شده و پیامدهای ناشی از آن از قیدهای تأکیدی بهره می‌برد. تأمل در بافت کلام حضرت (ع) گویای این حقیقت است که استفاده ایشان از اسلوب قسم، اداتی چون «إِنَّ»، «أَنَّ»، «لَقَدْ»، «إِلَّا»، «أَلَا» و... که در زبان عربی جهت تقویت کلام، نشان‌دهنده‌ی شدت و تأکید است موجب شده تا سبک خطبه به جانب مبالغه گرایش یابد که این امر بیانگر موضع‌گیری عاطفی حضرت (ع) درباره‌ی موضوع است. در عبارت‌های زیر کارکرد قیدهای به کار رفته در کلام مشهود است:

قیود تأکیدی	گزاره
أما و إِنَّ	أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِبِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ
ألا و إِنَّ	أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَإِعْلَانًا
اسلوب قسم و استثناء	فَوَاللَّهِ مَا غَزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غُرِّ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا
حرف تحقیق قد	[و] قَدْ وَرَدَتْ خَيْبَةُ الْأَنْبَارِ وَقَدْ قَتَلَ حَسَّانُ بْنُ حَسَّانٍ الْبَكْرِيَّ
لام موطنه (قسم)، قد تحقیق و أَنْ	وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخِرَى الْمُعَاهِدَةَ
اسلوب شرط و أَنْ	فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا
جمله اسمیه و اسلوب قسم	فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَفْرٌ

لام تأکید و آن	لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكُمُ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً
اسلوب قسم	وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا وَأَعْقَبَتْ سَدَمًا
لام موطنه (قسم)، قد تحقیق	لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا
لام موطنه (قسم)، قد تحقیق، إن	لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَلَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ
لام موطنه (قسم)، قد تحقیق	لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ

لایه واژگانی

لایه‌ی واژگانی از جمله سطوح مؤثر و مهم زبانی در یک اثر ادبی به شمار می‌آید؛ چرا که نوع‌گزینش واژگان و الفاظ گوینده نقش مهمی در تعیین سبک وی ایفا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که تنوع سبک در متون ادبی، بستگی به واژگان و کاربردهای زبانی آنها در کلام شاعر و یا نویسنده دارد. «سبک محصول‌گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژه‌ها و عبارات گوناگون استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنان [با یکدیگر] اختلاف دارد» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۱۶). بنابر نوع الفاظ گوینده و میزان استفاده‌ی وی از واژگان رسمی، عامیانه، طنزآمیز، جدی، کنایی و... گونه‌ی خاصی از یک سبک شکل می‌گیرد. از دیگر عواملی که موجب برجستگی سبک شاعر و یا نویسنده می‌گردد، کاربرد واژه‌های کهن (آرکائیسیم) و یا خلق واژه‌های نو در کلام است. هر گاه سخنگوی زبان در سخنان خویش از واژگان قدیمی و مهجور استفاده کند به‌صورت کلام خود، وجهه‌ای غریب و برجسته می‌بخشد که تداوم و تکرار آن، در شکل‌گیری سبک فردی و تأثیرگذاری کلام نقش بسزایی دارد. علاوه‌بر این، شاعر و نویسنده گاه براساس قیاس دستوری و قواعد ساخت واژه، صورت‌های زبانی جدیدی خلق می‌کند که پیش‌تر در زبان معیار کارکرد نداشته و به نوعی از ابداعات و نوآوری‌های شخصی وی به‌شمار می‌آید. این نوع آفرینش زبانی، خود، موجب برجستگی سخن و پیدایی سبک خاص گوینده می‌گردد. بررسی هر یک از مؤلفه‌های ذکر شده در یک اثر، ساختار واژگانی و زبانی مؤلف را در نگارش متون ادبی تعیین می‌سازد. «نشانداری» یا «بی‌نشان» بودن واژگان به کار رفته در یک اثر ادبی از جمله مشخصه‌های دیگری است که سبک‌شناس در تحلیل لایه واژگانی به کار می‌گیرد. «متون ادبی و سخنان اعتقادی اساساً ارزشی و شخصی‌اند و حاوی (دیدگاه شخصی) گوینده هستند؛ بنابراین طبیعی است که سرشار از واژه‌های نشاندار باشند؛ ولی نویسنده مقاله علمی، دانشی مستند عرضه می‌کند که صدق آن مورد قبول همگان است؛ از این‌رو باید از واژه‌های بی‌نشان بهره‌برد تا نوشته‌اش به واقعیت و قطعیت نزدیک‌تر باشد». (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۶۳)

در خطبه‌ی جهاد، واژگان به کار رفته در کلام امام علی(ع) را الفاظی تشکیل می‌دهند که بار معنایی هماهنگی با فحوای کلام حضرت دارد. نوع واژگان مسلط بر متن را بیشتر واژگان رسمی تشکیل می‌دهد؛ این امر از آن جهت است که بیان جدی و قاطعانه حضرت در خصوص مسأله جهاد و انتقاد از عملکرد

مردم در مقابله با دشمن، موجب شده تا لحن بیان و کلمات به کار رفته در ساختار جملات حضرت رسمی و جدی باشد. الفاظ و واژگان به کار رفته در متن خطبه نیز اغلب فصیح است که در زبان معیار کاربرد داشته و امام (ع) در بافت کلام خود از واژگان کهن و یا نوساخته استفاده نکرده‌اند. جدول زیر به بررسی واژگان به کار رفته در خطبه جهاد از نظر انواع دلالت‌های حسی، ذهنی، روشن، تیره و... با ذکر نمونه‌هایی از واژگان امام علی(ع) در خطبه جهاد پرداخته است:

نوع سخن	صفت سبک	نمونه	نوع واژه	نوع دلالت
داستانی	محسوس	بَاب - دِرْع - كَلَم دَم - رَجُل - السَّيْف و...	عینی	حسی/ذهنی
فلسفی	انتزاعی	التَّقْوَى - الصَّغَار - البلاء - الخسف - التَّهْمَام - غِيظًا و..	ذهنی	
حسی شفاف	روشن	الغَيْل - القَوْم - حَيْجَل - قَلْب - رُعْث و...	روشن	شفافیت
ذهنی	کدر	البلاء - سَدَمًا - نَدَمًا - حُلُوم - رَأَى - بَاطِل و...	تیره	
علمی	عین‌گرا	الحَقَّ - الحَرْب - قُرَيْش - مَسَالِح - حُلُوم الأَطْفَال و..	صریح	ارجاع
ادبی	کنایی و استعاری	أبواب الجَنَّة - دِرْعُ الله - لِبَاسُ التَّقْوَى - نُعَبُ التَّهْمَام و...	ضمنی	
رسمی	درجه صفر سبک	الحرب، الذل، الحزن، الحر، البرد و...	بی‌نشان	نشانداری
شخصی	ارزش‌گذار	الجهاد، قتال، الغزو، شن، غار، القماء، الخسف، الصغار، دَيْث، خذلان، ترح، غيظ، التهمام، السد، أَسَف، الهم، حمارة، قيظ، صبارة، القر و...	نشاندار	

پس از بررسی خطبه جهاد و تعیین هر یک از انواع دلالت‌های یاد شده‌ی جدول بالا در متن خطبه، نتایج به دست آمده از بررسی واژگان به کار رفته در بافت کلام امام علی(ع) را می‌توان در قالب جدول زیر این‌گونه نمایش داد:

بی‌نشان	نشاندار	ضمنی	صریح	تیره	روشن	ذهنی	عینی	مجموع اسم‌ها
۱۲۷	۳۳	۱۱	۱۴۹	۹۰	۷۰	۹۰	۷۰	۱۶۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از مجموع یک‌صد و شصت واژه‌ی به کار رفته در خطبه‌ی جهاد، واژگان ذهنی(عقلی) بسامد بالاتری نسبت به واژگان عینی(حسی) در کلام حضرت دارند. این امر بیانگر آن است که محور اصلی خطبه بر پایه‌ی مفاهیم، عقاید، معانی و مفاهیم ذهنی بیان شده است که خود، زمینه‌ی انتزاعی شدن سبک خطبه را بوجود آورده است. درصد بالای واژگان عقلی در کلام حضرت ناشی از حاکمیت پدیده‌های ذهنی و مفاهیم معنوی در ساختار تفکر و اندیشه علی(ع) است؛ به گونه‌ای که این دسته از واژگان، حضوری مجسم و عینی در پس‌زمینه‌های فکری ایشان دارد. از نظر شفافیت متن نیز باید گفت که این نوع از دلالت واژگانی، ناشی از بسامد بالای هر یک از واژگان حسی و یا ذهنی است که در این خطبه با توجه به غلبه‌ی واژگان ذهنی، تیره بودن سبک خطبه را از نظر شفافیت رقم زده است. در ساختمان کلام حضرت، تعداد واژگان صریح در مقایسه با واژگان ضمنی بسامد بالاتری دارد؛ بدین معنا که اغلب واژگان ذکر شده در خطبه، معنای اصلی و کارکرد ارجاعی خود را حفظ نمودند. هم‌چنین واژگان بی‌نشان- از جمله واژه‌ی بی‌نشان «الحرب» در مقابل واژگان نشاندار «الجهاد»، «قتال»، «الغزو»، «شن»، «غار» - که در شمار ساده‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین واژگان زبان به شمار می‌روند، نسبت به واژگان نشاندار حضور ملموس‌تری در متن خطبه دارد. این دسته از واژگان در زبان معیار معنایی فراگیرتر نسبت به سایر واژگان هم‌گروه خود داشته و عمدتاً فاقد بار معنایی کنایی و یا ضمنی هستند؛ از این‌رو سبک خطبه از نظر نوع دلالت نشاننداری- با توجه به بسامد بالای واژه‌های بی‌نشان- به واقعیت و قطعیت نزدیک‌تر است و نشان‌دهنده‌ی صدق گزاره‌های بیانی حضرت در بافت خطبه می‌باشد که هم‌سو و هماهنگ با نگرش، دیدگاه و باور حقیقی ایشان نسبت به مسئله‌ی جهاد و نیز اتفاق پیش‌آمده در آن زمان است که به عنوان رهبر جامعه مسلمانان در قالب خطبه‌ی یاد شده بیان فرموده‌اند. الفاظ و واژگان به کار رفته در متن روایی خطبه، متناسب با پس‌زمینه‌های فکری حضرت(ع) پیرامون مسائل مطرح شده از جمله جهاد راه خدا، لزوم مقابله با دشمنان اسلام و دفاع و صیانت از حریم مسلمانان و کسانی که تحت لوای حکومت اسلامی هستند و نیز لزوم بصیرت و آگاهی در شناسایی حق و پیروی از آن است. غلبه‌ی واژگان رسمی در کلام حضرت(ع) نشان‌دهنده‌ی بیان جدی و قاطعانه ایشان در خصوص امر جهاد و نیز واقعه شهر انبار است؛ از این‌رو بیشتر واژگان به کار رفته در خطبه دارای بار ارزشی بوده و غالباً پیرامون مفاهیم عقلی و انتزاعی است؛ چرا که بیانگر نگرش حضرت(ع) درباره ارزش‌های معنوی و مفاهیم مجرد است که امام علی(ع) در قالب آن‌ها به صراحت و بی‌پرده، اندیشه‌ها و باورهای شخصی خود را بازگو می‌کند و حقایق موجود را آشکارا بیان می‌دارد. در حقیقت الفاظ و واژگان به کار رفته در بافت خطبه نشان‌دهنده موضع‌گیری احساسی و عقلانی امام(ع) است. ایشان آن‌گاه که از ضعف و بهانه‌جویی مردم شکوه می‌کند الفاظ و واژگانی را به کار می‌برد که بار احساسی و عاطفی داشته و معنای نکوهش و سرزنش را القا می‌کنند و هرگاه از هجوم دشمن، ارزش جهاد و یا لزوم فرمانبرداری مردم از رهبر جامعه مسلمان

سخن می‌گوید واژگان به کار رفته در کلام ایشان، صریح و بی‌نشان بوده و گویای واقعیت و قطعیت در گفتار و بیانات حضرت علی(ع) است.

لایه ایدئولوژیک

ایدئولوژی در حقیقت نظامی از باورها و عقاید است که بیانگر نگرش و زاویه‌ی دید یک گروه اجتماعی نسبت به مسائل مختلف بوده و در متون به صورت آشکار و صریح و یا نهفته و ضمنی بازتاب می‌یابد. متونی که در آن‌ها عناصر ایدئولوژیک به صورت صریح و مستقیم عرضه شده در شمار متن‌های گفتمانی جای می‌گیرند. در این نوع از متون واژگان زبان و ساختارهای نحوی و ادبی کلام بازگوکننده‌ی ایدئولوژی آشکار گوینده و یا نویسنده‌ی خود است. «در کلام ادبی واژه‌ها ماهیت قراردادی خود را فرو می‌گذارند و مستقل از بافت ایدئولوژیک عمل می‌کنند؛ اما نویسنده‌ی ایدئولوژیک نشانه را به منزله‌ی عناصر هویت‌بخش گروه به کار می‌گیرد. بنابراین محتوای نشانه و شاخص ارزشی آن در متن ایدئولوژیک پیوند استواری با گفتمان و رمزگان ایدئولوژیک و فضای اجتماعی کلام دارد» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۶). در لایه‌ی ایدئولوژیک، ساختمان جمله و ساختار نحوی آن بیانگر دیدگاه‌ها و باورهای ارزشی سخن‌گویان زبان است. بهره‌مندی از عناصر تأکیدی، وجوه امری و یا التزامی و... در کلام، بار معنایی خاصی به صورت‌های زبان می‌بخشد که عمدتاً حامل پیام‌ها و یا نگرش‌های فردی و اجتماعی گوینده پیرامون مسائل مختلف فردی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌باشد. خطبه‌ی جهاد با توجه به موقعیت تاریخی آن که پس از حمله‌ی سپاهیان معاویه به شهر انبار ایراد شده است، بیانگر دیدگاه حضرت علی(ع) پیرامون رخداد واقع شده و پیامدهای ناشی از آن است که در سه سطح فکری به بیان ارزش فضیلت جهاد در باور امام(ع)، اشاره به پیامدهای ناشی از جنگ و نکوهش سستی مردم در رویارویی با دشمن و بیان مظلومیت امام(ع) و علل شکست کوفیان پرداخته است. مبانی فکری حضرت(ع) در ایراد خطبه‌ی مذکور بر برپایه‌ی مفاهیم ارزش‌های اسلامی و دینی بنا شده که برگرفته از آموزه‌های قرآنی و اصول و مبادی تعریف شده در حکومت اسلامی است. امام علی(ع) در طرح اندیشه‌های شخصی خود پیرامون تقوا و یا جهاد در راه خدا مفاهیم وانهاده شده در خطبه را از قرآن کریم و آموزه‌های معنوی آن وام می‌گیرد و به تعبیر قرآن تقوای الهی را هم‌چون لباسی معرفی می‌کند که تعهد بدان انسان را از آفت‌های اخلاقی به دور می‌سازد و روحیه جهادی را در وجود وی تقویت می‌کند. همچنین با توجه به مبانی حکومت اسلامی، ولایت‌مداری و پیروی از حق، رویارویی با باطل، جهاد در راه خدا، ستیز با مستکبران و کافران را در جهت احیای حق و برقراری عدالت و نیز ایجاد امنیت و آسایش برای مردمی که تحت لوای اسلام و حکومت اسلامی هستند محور اصلی سخنان خود قرار می‌دهد. در بخش نخست، واژگان به کار رفته در خطبه، دارای بار ارزشی و نشاندار است. تعابیر «باب من أبواب الجنة»، «لباس التقوی»، «درع الله الحصینة» و «جنته الوثیقة» در قالب نظامی از مفاهیم ارزشی به جایگاه و منزلت والای جهاد در باور و نگرش امام علی(ع) اشاره دارد.

ساختمان نحوی جملات در این بخش نیز گویای دلالت‌های ایدئولوژیک در بافت روایی خطبه است. کارکرد عناصر تأکیدی چون «أما»، «إن»، اسلوب قسم، جمله اسمیه و عنصر استدلال در عبارات‌های «أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ...»، «فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا»، «فَلَوْ أَنَّ أُمَّراً مُسْلِماً مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَقاً مَا كَانَ بِهِ مَلُوماً بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيراً» و... در کلام حضرت (ع) نشان‌دهنده‌ی اهمیت والای جهاد در راه خدا در دیدگاه امام علی (ع) است و دلالت بر کنش‌های ترغیبی کلام دارد که برای مخاطب نوعی تعهد و التزام ایجاد می‌کند. در قسمت دوم نیز گزینش واژگان و ساختار کلام حضرت (ع) دارای بار معنایی نکوش و سرزنش مردم کوفه در رویارویی با سپاهیان دشمن است و بازگو کننده‌ی دیدگاه ایشان نسبت به عملکرد مردم در برابر واقعه‌ی پیش‌آمده است. در این بخش نیز کثرت صنعت تکرار، تأکید، تضاد، استدلال و قسم حامل باورها و نگرش حضرت (ع) در برخورد با مردم کوفه است که در قالب عبارات‌های «أَلَا وَإِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَيَّ قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَاراً وَسِرّاً وَإِعْلَاناً»، «وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيَجْلِبُ إِلَيْهِمْ مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ»، «فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ هَذِهِ حِمَارَةٌ الْقَيْظِ أَمْهَلْنَا يُسْبِخُ عَنَّا الْحَرُّ وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَارَةٌ أَمْهَلْنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ كُلُّ هَذَا فِرَارٌ مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرُّ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقَرِّ تَفْرُونَ» بیان شده است. وجود عبارات‌های متضاد «لَيْلًا وَنَهَاراً وَسِرّاً وَإِعْلَاناً» و تکرار جمله شرطی «فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ...» دلالت بر پیوستگی و استمرار دعوت حضرت (ع) بر امر جهاد و نیز سستی مردم کوفه در پیروی از فرمایشات امام علی (ع) دارد. این عبارات امام علی (ع) دلالت بر سستی و ضعف و بهانه‌جویی مردم کوفه داشته و گویای این حقیقت است که اینان مردمی جهادگر و ثابت قدم در راه خدا نبوده‌اند. قسمت پایانی خطبه نیز دربردارنده‌ی عبارات‌های ایدئولوژیک امام علی (ع) پیرامون موقعیت خویش و علل شکست کوفیان است. پاره عبارات‌های «فَقُبْحاً لَكُمْ وَتَرَحُّاً حِينَ صِرْتُمْ غَرَضاً يُرْمَى نِعَارٌ عَلَيْكُمْ وَلَا تُغَيِّرُونَ وَتُغَزُونَ وَلَا تَغْزُونَ وَيُعْصَى اللَّهُ وَتَرْضُونَ»، «فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَقْرُّ» و «يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَعُقُولُ رِبَاتِ الْحِجَالِ»، «وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعَصِيانِ وَالْخِذْلَانِ» ترسیم‌کننده‌ی نگرش و دیدگاه امام علی (ع) نسبت به مردم کوفه است که به باور حضرت (ع) مردمی بی‌خرد، سست و بی‌تدبیر، ترسو، نافرمان و ذلت‌پذیرند. ایدئولوژی حضرت (ع) در خطبه جهاد، نفی ضد ارزش‌هایی چون پذیرش حکومت ظالمان، عدم ولایت‌مداری و سستی و سکوت در برابر متجاوزان و غاصبان است که بار معنایی واژگان به کار رفته در کلام حضرت (ع) و نیز ساختار و ساختمان نحوی جملات و کارکرد صنایع ادبی نشان از اندیشه و باورهای امام (ع) دارد.

نتیجه‌گیری

نهج البلاغه بازتابی از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و نگرش‌های حضرت علی(ع) پیرامون مسائل سیاسی، اجتماعی، فردی، اعتقادی و... است که نوع بیان حضرت و نیز اسلوب سخن‌پردازی ایشان، جلوه‌ای منحصر به فرد بدان بخشیده است. خطبه‌ی جهاد، از جمله خطبه‌های ادبی و ارزشمند نهج البلاغه است که در آن علی(ع) دیدگاه خود را نسبت به مسأله جهاد و همچنین عملکرد مردم کوفه در برخورد با سپاهیان معاویه بیان می‌دارند. بررسی و ارزیابی بافت خطبه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای، کارکرد چهار عنصر آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی را در ساختار کلام حضرت تبیین می‌کند. نتایج به‌دست آمده در هر لایه نشان‌دهنده‌ی پس‌زمینه‌های فکری و نگرش حضرت نسبت به مؤلفه‌های بیان شده در خطبه است. به‌عنوان مثال بسامد بالای تشبیه در لایه بلاغی، سبک تشبیهی خطبه را موجب شده است که با توجه به طرفین هر یک از تشبیه‌های به‌کار رفته در خطبه که عمدتاً عقلی هستند، بیانگر عمق مفاهیم و آموزه‌های معرفتی در منظومه‌ی فکری امام علی(ع) و نیز بیان دیدگاه وی نسبت به حقیقت جهاد در راه خدا است. در لایه‌های چهارگانه، تحلیل هر یک از مشخصه‌های کلامی حضرت هم‌سو و هماهنگ با فکر و اندیشه‌ی مسلط بر متن است؛ بدین معنا که می‌توان با بررسی اجزای تشکیل‌دهنده‌ی سخن در هر لایه، نگرش حاکم بر فضای خطبه را دریافت. نوع و بسامد فعل‌ها و یا اسم‌های به‌کار رفته در متن خطبه، تعیین‌کننده‌ی سبک امام علی(ع) در ایراد خطبه جهاد است. بسامد بالای فعل‌های معلوم در متن، صدای دستوری فعال خطبه را به‌وجود آورده و این امر ناشی از ارتباط نزدیک حضرت با مفاهیم عرضه شده در خطبه است که بسامد بالای مدالیت‌ه اخباری که نشانگر ارتباط نزدیک حضرت با وقایع و رخداد‌های زمان ایشان است نیز مؤید این امر می‌باشد. همچنین حضور چشمگیر واژگان ذهنی و تیره بیانگر غلبه‌ی اندیشه‌های انتزاعی و مفاهیم عقلی در خطبه است که از ذهنیت و نگرش غیرمحسوس امام(ع) نسبت به مسائل مختلف نشأت می‌گیرد.

منابع

- اقبالی، عباس (۱۳۸۸)، «درآمدی در نقد ترجمه‌های کنایاتی از نهج‌البلاغه»، د فصلنامه حدیث پژوهی، سال اول. شماره اول. بهار و تابستان.
- خاقانی، محمد (۱۳۷۶)، *جلوه‌های بلاغت در نهج‌البلاغه*. قم: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه، چاپ اول.
- خلیلی جهانتیغ، مریم (۱۳۸۴)، «نگاهی کوتاه به صبغهی هنری کلمات قصار حضرت علی در نهج‌البلاغه»، *مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. سال سوم.
- رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴). «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی»، *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، دوره جدید، شماره پنجم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴)، *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: انتشارات فردوس.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۴)، *ترجمه نهج‌البلاغه*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی عماد کرمانی.
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۴م)، *البلاغه و الأسلوبیه*، القاهرة: الشركة المصریه العالمیه للنشر. الطبعة الأولى.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۸)، «سبک‌شناسی ادبی سرشت سخن ادبی، برجستگی و شخصی‌سازی زبان»، *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۱.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، *دستور مفصل امروز*، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- فضل، صلاح (۱۹۹۸م)، *علم الأسلوب مبادئه واجراءاته*، القاهرة: دار الشروق، الطبعة الأولى.
- قائمی، مرتضی (۱۳۸۸)، *سیری در زیبایی‌های نهج‌البلاغه*، قم: انتشارات ذوی‌القربی، چاپ اول.
- کاظم حمیدی الحمیداوی، خالد. (۲۰۱۱م). *اسالیب البدیع فی نهج‌البلاغه*. أطروحه قدمها إلى مجلس کلیه الآداب فی جامعه الکوفه.
- کاظم الیهوادی، مشکور (۲۰۱۱م)، *الجناس فی نهج‌البلاغه دراسه فی وظائفه الدلالیه والجمالیه*، جامعة الکوفه: مجلة اللغة العربیة وآدابها. العدد (۷۰۰۹).
- کریمی، مریم (۱۳۸۹)، «مبانی سبک‌شناسی»، *مجله کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۷ (پیاپی ۱۶۱).
- محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۷)، *جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در نهج‌البلاغه*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- المسدی، عبدالسلام (۲۰۰۶)، *الأسلوبیه و الأسلوب*، بیروت: دار الكتاب المتحدہ، الطبعة الخامسة.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.